

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷

## مهدی موعود علیه السلام در نگاه علمای دیوبند

محمد طاهر رفیعی<sup>۱</sup>

### چکیده

ظهور منجی برای نجات بشر از حیرت و گمراهی و گرداب ظلم و ستم حاکمان مستبد و دنیاپرستان فرصت طلب، باور اساسی پیروان ادیان آسمانی و آرزوی دائمی بسیاری از مردم آزادی خواه جهان است. در اسلام، این عقیده با تکمیل اهداف نبوت و رسالت خاتم پیامبران پیوند نزدیک دارد و در روایات فراوان، مشخصات مهدی موعود علیه السلام و عصر ظهور به تفصیل بیان گردیده است، طوری که هیچ مسلمانانی نمی تواند منکر این قضیه باشد. بررسی این موضوع در اندیشه علمای دیوبند، به عنوان یک مکتب فکری و مذهبی مهم و تأثیرگذار اهل سنت در دوران معاصر، بیانگر آن است که آنان نیز همانند سایر اهل سنت و دیگر مسلمانان، اصل ظهور منجی را مسلم و روایات وارده در این مورد را متواتر و قطعی می دانند. هم چنان که در بیان وقایع آخرالزمان و حوادث عصر ظهور معمولاً همانند سایر مسلمانان می اندیشند. هر چند به خاطر وجود روایات مختلف در متون حدیثی اهل سنت، بسیاری از آنان در تعیین مصداق و بیان ویژگی های منجی موعود اختلاف نظر دارند. در این نوشتار، سعی می شود با استفاده از منابع اصلی دیوبندیان، دیدگاه علمای دیوبندیه درباره این موضوع بررسی و ارزیابی گردد.

### واژگان کلیدی

منجی، مهدی، موعود، آخرالزمان، دیوبند، دیوبندیه، علمای دیوبند.

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم و دکتری جریان های کلامی معاصر جهان اسلام (m.t.r1394@gmail.com).

اعتقاد به انتظار ظهور منجی و مصلح بزرگ جهانی در آخرالزمان، از مسائل اساسی است که از دیرباز در تاریخ ادیان و مذاهب، مورد بحث بوده، همگان آن را به مثابه یک اصل مسلم پذیرفته و ادیان آسمانی ظهور مصلح جهانی را بشارت داده‌اند. در اسلام ظهور شخصی به نام «مهدی» در دوران واپسین، اتفاقی است، برخی آیات قرآن کریم نیز، همانند آیات ۱۰۵ سوره انبیاء، ۹ سوره صف، ۵۵ سوره نور و ۵۴ سوره مائده، بر این موضوع تطبیق داده شده‌اند. افزون بر آیات، وجود روایات فراوان و متواتر و ادله گوناگون دیگر درباره مهدویت انکارپذیر نیست. در متون حدیثی شیعه و اهل سنت روایات زیادی در این رابطه وجود دارد که بسیاری از آن احادیث بر وجود مهدی غایب منتظر از نسل امام حسین علیه السلام تصریح دارند. احادیث فراوانی نیز از مهدی موعود به عنوان فردی از نهمین نسل امام حسین علیه السلام، یا چهارمین نسل امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، یا سومین نسل امام محمد بن علی الجواد علیه السلام نام برده‌اند (طبرسی، بی تا (ب: ج ۲، ۳۸۶-۴۰۹). این روایت‌ها در منابع روایی شیعه به تفصیل بررسی شده‌اند و از نظر سند و محتوا تردیدی در آنها نیست. افراد خاصی نیز پیش از وفات امام حسن عسکری علیه السلام مستقیماً خدمت حضرت مهدی علیه السلام رسیده بودند؛ امام عسکری علیه السلام برای آنان، فرزند خود مهدی را نشان داده و معرفی کرده بود. در دوران غیبت صغری و هم‌چنین غیبت کبری، اخبار موثق نشان‌دهنده تشریف برخی بزرگان خدمت حضرت حجت علیه السلام است (همو: ۴۱۸-۴۲۳). با توجه به مقام والای تشریف‌یافتگان و روایان، صحت این گزارش‌ها را می‌توان تأیید کرد. نوشتار حاضر با طرح این پرسش که «علمای دیوبند درباره مهدی موعود و ظهور منجی چه دیدگاهی دارند؟»، به تبیین جایگاه مهدویت و ظهور منجی در مکتب فکری و مذهبی دیوبندی می‌پردازد.

«دیوبندی» منسوب به مدرسه دارالعلوم دیوبند است که در ۱۵ محرم ۱۲۸۳ به وسیله شیخ محمد قاسم نانوتوی و با همکاری شیخ رشید احمد گنگوهی در منطقه «دیوبند» هند تأسیس شد (ابواسامه، ۱۴۱۵ق: ۲۱؛ قاسمی، ۱۴۱۲ق) با تلاش‌های پی‌گیر مؤسسان و همکاری برخی علمای دیگر، دیری نگذشت که این مدرسه بزرگ‌ترین مرکز دینی شبه قاره هند گردید که شاگردان زیادی در آن تربیت شدند، تا جایی که فارغ‌التحصیلان آن تماماً با انتساب به همین مدرسه شناخته می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۳۰۸؛ نمر، ۱۴۰۱ق: ۵۵۸-۵۵۹؛ ندوی، ۱۴۲۷ق: ۲۸-۲۹؛ عبدالباقی، بی تا: ۴۵-۴۶ و ۱۸۶؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۲۸ش:

۲۲۶۵؛ عبدالرب میرزا، ۱۴۲۷ق؛ عثمانی: www.Darululoom\_deoband.com). اهمیت این مدرسه نزد اهل سنت تا آن جا ارتقا یافته است که از آن به «الأزهر» هند یاد می کنند (کشمیری، ۱۴۱۲ق: ۱۵؛ عبدالرب میرزا، ۱۴۲۷ق؛ امینی، ۱۴۳۲). علمای مشهور این مکتب عبارتند از: محمد قاسم نانوتوی، رشید احمد گنگوهی، اشرفعلی تهانوی، انورشاه کشمیری، خلیل احمد سهارنپوری، سیدحسین احمد مدنی، ابوالحسن علی حسنی ندوی، محمد زکریا کاندهلوی، شبیر احمد عثمانی، محمد تقی عثمانی، سیدسلیمان ندوی، خلیل امینی و غیره.

از نظر مبانی فکری، دیوبندیان از مذهب فقهی حنفی، مکتب کلامی ماتریدی و تا اندازه ای اشعری و همین طور طریقت های گوناگون تصوّف، پیروی می کنند. بر همین اساس، نگرش های متفاوت عقل گرایی، حدیث گرایی و سیر و سلوک عرفانی در آنان مشاهده می شود، تا جایی که برخی آنان را به خاطر التزام به آداب و رسوم تصوّف، بدعت گذار و مشرک می خوانند؛ ولی مخالفت شماری از آنان با آن چه آنها را بدعت و شرک می نامند، باعث اتهام آنان به ارتباط به وهابیت گردیده است. درحالی که هرچند وهابیت و دیوبندیه در برخی مسائل اشتراکاتی دارند و برخی دیوبندیان نیز سعی دارند خود را به وهابیت نزدیک نشان داده و از عقاید آنان دفاع نمایند، اما بسیاری از بزرگان آنان هرگونه انتساب و نزدیکی با وهابیت را نفی می کنند. از طرفی، بسیاری از باورهای مذهبی دیوبندیان با عقاید رایج در مکتب اهل بیت علیهم السلام نزدیک بوده و ارادت آنها به مقام معنوی و علمی امامان معصوم شیعه، ستودنی است که مجال طرح آن مباحث در این نوشتار نبوده و در جای دیگر به تفصیل بحث شده است (رفیعی، ۱۳۹۶ش: ۱۰۰-۷۰۰). این جا تنها دیدگاه علمای دیوبند درباره مهدویت بررسی و ارزیابی می گردد.

### مهدی موعود در متون حدیثی و کلامی اهل سنت و دیوبندیان

از نظر بسیاری از اهل سنت و دیوبندیان، ظهور مهدی علیه السلام برای اقامه قسط و عدل و از بین بردن ظلم و ستمگری ای که در آخر زمان به صورت گسترده دامن گیر جوامع دنیا می شود، حتمی است (مبارکفوری، بی تا: ج ۶، ۱۲)، و روایات ظهور منجی متواتر (ابن کثیر، بی تا: ج ۱، ۱۵-۱۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳ش: ج ۲، ۵۳۵؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۳۱۱)، و ایمان به آن واجب است (مدنی، بی تا: ۵). از نگاه آنان، بنابر اخبار متواتر و قطعی، مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (ابن حنبل، بی تا: ج ۲۲، ۴۳۲؛ صنعانی، ۱۴۲۱ق: ج ۱۱، ۳۷۲)، از اهل بیت

پیامبر ﷺ و از فرزندان فاطمه علیها السلام (مدنی، بی تا: ۳-۸)، ظهور می کند؛ آن حضرت پس از ظهور، هفت سال (همو: ۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۳ق: ۹، ۱۲۶؛ سهارنپوری، بی تا: ج ۱۷، ۱۹۰-۲۰۰؛ مبارکفوری سلفی، بی تا: ج ۱، ۱۳۵-۱۳۸)، یا نه سال (سهارنپوری، بی تا: ج ۱۷، ۱۹۰-۲۰۰؛ مبارکفوری، بی تا: ج ۱، ۱۳۵-۱۳۸؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۲۳، ۲۸۳) و یا چهل سال (مروزی، ۱۹۹۱م: ج ۱، ۲۴۸)، براساس کتاب خداوند تبارک و تعالی و سنت پیامبر ﷺ امامت امت را بر عهده می گیرد (سجستانی، بی تا: ج ۱، ۳۵۵)، و همانند ذوالقرنین در تمام نقاط دنیا حضور می یابد (عاصم عمر، بی تا: ۱۶۲-۱۶۶؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹ق: ج ۱، ۴۴). در برخی احادیث اهل سنت، بر ضرورت وجود امام در هر عصر و لزوم شناخت او نیز تأکید فراوان شده است و این که، اگر کسی بدون شناخت امام و بدون داشتن امام - حتی اگر طاعتی بر عهده اش نباشد - از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است (ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۸۳ و ۱۵۴؛ بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۳؛ قشیری نیشابوری، بی تا: ج ۶، ۲۱-۲۲؛ نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۷۷ و ۱۱۷). سرنامیده شدن مهدی را نیز در این دانسته اند که وی مردم را به حقایق ادیان آسمانی هدایت می کند (مقدسی شافعی، همو: ۱۳۹۹ق: ج ۱، ۸-۱۰)، تمامی بنیان‌های سست قبلی را از بین می برد و اسلام را از نو برپا می کند (همو: ۵۰).

دیوبندیان نیز همانند دیگر مسلمانان معتقدند احادیث ظهور مهدی از نسل پیامبر ﷺ، تواتر معنوی دارد و همگی قابل اعتماد و قابل استنادند و گفته اند از جمله کسانی که این احادیث را نقل کرده، و صحت و تواتر آنها را پذیرفته اند، عبارتند از: ترمذی، ابن حیان، بیهقی، فندری، ابن تیمیه، ابن قیم، قرطبی، ابن کثیر، ابن عربی، ابن حجر عسقلانی، شوکانی، صدیق خان، ابوالحسن سجستانی، برزنجی، سفارینی، زاهد کوثری و غیر آنها؛ این افراد همگی احادیث مربوط به ظهور مهدی را متواتر می دانند (جالندهری، بی تا: ج ۱، ۸۲-۸۳). آنها ظهور مهدی های دروغین در زمان ها و جاهای گوناگون را نشانه قطعی بودن عقیده به ظهور مهدی میان مسلمانان می دانند (همو: ۳۸-۴۴)، و بر قطعی، ضروری و مسلم بودن ظهور مهدی از نسل پیامبر ﷺ و فاطمه زهرا علیها السلام از کنار مکه مکرمه تأکید دارند. اخبار صحیحه حاکی از آن است که اگر از دنیا حتی یک روز هم باقی مانده باشد، مهدی، که از ذریه فاطمه علیها السلام و شبیه به پیامبر ﷺ است، از مدینه و مکه ظهور، و زمین پر از ظلم و جور را براساس شریعت پیامبر ﷺ پر از عدل و داد می کند. در زمان او فتنه های بسیاری در جهان، به ویژه میان مسلمانان به وجود می آید، و از جمله جنگ های کنونی جهان اسلام را از نشانه های ظهور دانسته اند. او

هنگام ظهور، با دجال و دیگر دشمنانی که از شام برای مقابله با او آمده‌اند، مواجه می‌شود، ولی با امدادهای الهی بر آنها پیروز می‌شود و تمامی دشمنان در وادی بیدا بین مکه و مدینه در زمین فرو می‌روند. آن وقت ابدالی از شام و مردمی از عراق و دیگران با وی بیعت می‌کنند و سردار خراسانی نیز به یاری او می‌شتابد، حضرت عیسی علیه السلام نیز از آسمان فرود می‌آید و در رکاب او قرار می‌گیرد (همو: ۴۵-۷۰؛ سهارنپوری، بی‌تا: ج ۱۷، ۱۹۰-۲۰۰؛ میرتهی مهاجر مدنی، بی‌تا: ج ۴، ۳۷۲-۴۲۸؛ عاصم عمر، بی‌تا: ۱۶۲-۲۱۸؛ صدیقی کاندهلوی، بی‌تا: ۵؛ مدنی، بی‌تا: ۳-۱۲؛ مبارکفوری سلفی، بی‌تا: ج ۱، ۱۳۵-۱۳۸). در چنین زمانی بر تمامی مسلمانان واجب است که از وی حمایت کنند (سهارنپوری، بی‌تا: ج ۱۷، ۱۹۰-۲۰۰؛ مبارکفوری سلفی، بی‌تا: ج ۱، ۱۳۵-۱۳۸). البته گفته‌اند هرچند ظهور مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از مسلمات است، جزء ایمان نیست؛ بنابراین، نمی‌توان منکران مهدویت را کافر دانست (فتحی، بی‌تا: ۸۱-۸۲). ضمن آن که این مهدی، آن شخصی نیست که شیعیان به آن اعتقاد دارند (ر.ک: میرتهی مهاجر مدنی، بی‌تا: ج ۴، ۳۷۲-۴۲۸؛ عاصم عمر، بی‌تا: ۱۶۲-۲۱۸؛ صدیقی کاندهلوی، بی‌تا: ۵؛ جالندهری، بی‌تا: ج ۱، ۱۳۲-۱۳۴).

حسین احمد مدنی، ضمن آن که بارها تأکید می‌کند که احادیث مربوط به ظهور مهدی موعود از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و از ذریه فاطمه زهراء علیها السلام، متواتر معنوی‌اند، درباره فلسفه نوشتن کتاب *الخلیفه المهدی فی الأحادیث الصحیحه* نوشته است:

در برخی محافل علمی هنگام بحث از مهدی موعود، برخی فضلی کامل صحت احادیث وارده در این مورد را انکار کرده‌اند، به همین جهت وادار شدم تا احادیث صحیحه در این باب را گردآوری نموده و احادیث حسن و ضعیف را کنار بگذارم، به امید آن که مردم از آن بهره ببرند و آن چه را پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است، تبلیغ نموده باشم، تا مردم فریب سخنان برخی نویسندگانی را که تخصصی در علم حدیث ندارند، همانند ابن خلدون و غیره را نخورند. زیرا هرچند آنها در تاریخ و امثال آن مورد اعتمادند، ولی در علم حدیث سخنان آنان ارزشی ندارد. من پیش از آن، از برخی عوام نیز شنیده بودم که این احادیث را انکار می‌کنند، ولی انکار آنها من را به جمع نمودن احادیث این باب وادار نکرد. ولی وقتی متوجه شدم که برخی فضلی گذشته و ائمه زمان درباره مهدی تردید دارند، آستین بالا زدم تا این هدف مهم را به سرانجام برسانم. به امید آن که وسیله‌ای باشد برای زودن اشتباه در این دین خالص... (مدنی، بی‌تا: ۷-۸ و ۱۳).

سپس ۴۶ حدیث را، که به صحیحه بودن تمامی آنها تصریح می‌کند، درباره قطعی بودن

ظهور مهدی، نشانه‌ها و مشخصات آن حضرت می‌آورد که در مجموع آنها بر مسائل زیر تأکید شده است:

دنیا پایان نمی‌پذیرد، جز آن که مردی از اهل بیت که همان من و نام پدرش همان پدرم است، بر عرب حکومت می‌کند و اگر از عمر زمین یک روز هم باقی نماند، خداوند حتماً مردی از اهل بیت را مبعوث می‌کند که زمین را پس از آن که ظلم و جور آن را فرا گرفته است، پراز عدل و داد می‌کند و هفت یا هشت و یا نه سال حکومت می‌کند؛ اختلافی هنگام مرگ خلیفه به وجود می‌آید، آن‌گاه مردی از اهل مدینه و از بنی هاشم - که مدنی با جمع بندی احادیث آن را بر مهدی تطبیق می‌کند - به سوی مکه فرار می‌کند و به این بیت، یعنی کعبه، پناه می‌آورد، درحالی که پناهگاه و یاوری ندارد، آنگاه مردانی از اهل مکه سراغ وی را می‌گیرند و او را درحالی که میل ندارد، بیرون می‌آورند و بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، آن‌گاه گروهی از اهل شام به رهبری سفیانی به سوی او می‌آیند که در منطقه بیداء، میان مکه و مدینه، در زمین فرو می‌روند و تنها یک نفر از آنها باقی می‌ماند تا اخبار آنها را به دیگران برساند، آن‌گاه ابدالی از عراق و شام می‌آیند و با او بیعت می‌کنند؛ آن زمان پرچم‌های سیاهی از جانب مشرق سر برمی‌آورد و جنگ بی‌سابقه‌ای با شما می‌کند؛ حرمت این خانه، یعنی کعبه، را جز اهل آن نمی‌شکند، وقتی حرمت این خانه شکسته شد، دیگر از نابودی عرب نپرسید، پس از آن حبشه کاملاً خراب می‌شود، به گونه‌ای که دیگر هیچ‌گاه آباد نمی‌گردد؛ مهدی از من، از عترت من، از اهل بیت و از فرزندان فاطمه است، دارای پیشانی نورانی و بینی کشیده که خداوند در یک شب زمینه قیام او را فراهم می‌کند، وقتی او را دیدید، با او بیعت کنید که او مهدی خلیفه خداوند است؛ در آخرالزمان خلیفه من، مهدی، گنج‌ها را آشکار، و اموال را به گونه‌ای مردم میان مردم توزیع می‌کند که کسی آن را نمی‌شمارد، آن‌گاه باران با برکت آسمان فراوان می‌بارد، زمین تمام ذخایر و نعمت‌های خود را بر مهدی عرضه می‌کند و امت من در ولایت او به نعمت‌هایی دست می‌یابند که تاکنون به همانند آن دست نیافته بودند. هنگام ظهور مهدی، عیسی ابن مریم علیه السلام نیز از آسمان فرود می‌آید و هنگام نماز پشت سر مهدی، به عنوان امام امت، نماز می‌خواند (همو: ۱۴-۵۷؛ گنگوهی، بی‌تا: ج ۱، ۴۶۶-۴۷۰).

برخی نقل‌ها حاکی از اعتقاد دیوبندیان به زنده بودن مهدی موعود است. نقل شده است که اشرف علی تهانوی با حاج امدادالله مهاجر مکی و شخصی به نام عبدالوهاب بغدادی در مکه حضور داشتند، آن‌جا بغدادی ادعا کرد که در عالم مکاشفه با امام مهدی علیه السلام ملاقات کرده است؛ حاج امدادالله اهل مکاشفه بودن او را تأیید کرد. تهانوی فوری به دنبال او رفت و گفت اگر چنین است از طرف من هم بیعت کن، چون معلوم نیست که در وقت ظهور آن امام من

زنده باشم یا نه، و ممکن است از آن فیض محروم بمانم؛ او نیز بیعت کرد. ولی تهانوی وقتی برگشت گفت یا عبدالوهاب دچار اشتباه شده است یا این که آن شخص امام مهدی علیه السلام نبوده است و کسی دیگر دچار توهم شده، و خود را مهدی معرفی کرده است. چنان که برای بسیاری از بزرگان چنین توهم به وجود آمده است و حتی از برخی شنیده ام که گفته اند وقتی سنگ و چوب همه به من مهدی می گویند من چگونه یقین نکنم که مهدی نیستم (محمد اسحاق، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۲۹-۱۳۰).

در این داستان، زنده بودن مهدی انکار نشده است، بلکه فقط احتمال داده اند که ممکن است آن شخص مهدی منتظر غایب نبوده باشد، و کسی به دروغ و یا از روی توهم خود را مهدی خوانده باشد. از این جا به دست می آید که حداقل برخی دیوبندیان، قائل به زنده بودن مهدی موعودند. نظریه ای که نزد شیعیان و برخی دیگر از مسلمانان مسلم و انکارناپذیر است. در نتیجه، با اثبات حیات مهدی علیه السلام ادعای این که مهدی در آخر الزمان به دنیا آمده و در سن جوانی ظهور می کند (تفتازانی، به نقل از: خسروشاهی و العباد، ۱۳۷۲ش: ۹۱)، باطل می گردد.

#### ویژگی های مهدی موعود نزد علمای دیوبند

روشن شد که از نگاه علمای دیوبند ظهور مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قطعی و انکارناپذیر است، با این بیان، ادعای کسانی که اساساً منکر اصل مهدویت و یا منکر ظهور مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند، نیز، باطل و خلاف واقع است. منتهی دیوبندیان همانند سایر اهل سنت، در تعیین مصداق و تبیین مشخصات مهدی منتظر، و این که آیا مهدی از ذریه فاطمه زهرا است؟ حسنی است یا حسینی؟ رابطه مهدی موعود با منجی مسیحی چیست؟ اختلاف نظر دارند. پیش از این بیان شد که به اعتقاد شیعیان امامیه و براساس احادیث متواتر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، آن حضرت نهمین امام معصوم از نسل امام حسین علیه السلام، آخرین امام و خاتم اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، اما بیشتر اهل سنت و از جمله علمای دیوبند، مهدی مورد نظر شیعیان را قبول ندارند. برخی از آنها مدعی اند که مهدی، شخصی به نام محمد بن عبدالله از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است (یافعی، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ۲۸۴). خلیل احمد سهارنپوری، با اشاره به اختلاف اهل سنت در این باره، می گوید:

اولی آن است که از طرف مادر حسینی باشد و از طرف پدر حسنی (سهارنپوری، بی تا: ج ۱۷، ۱۹۳).

وی در تأیید این سخن به حدیثی از امام علی علیه السلام استناد کرده است که براساس آن، امیرالمؤمنین علیه السلام با اشاره به امام حسن علیه السلام فرموده است:

إن ابني هذا سيّد كما سَمَّاهُ النبي ﷺ وسيُخرج من صلبه رجل يسمّى باسم نبيكم ﷺ...؛  
یعنی مهدی از نسل آن حضرت ظهور می‌کند (همو: ۱۹۹).

او و برخی دیگر تأکید دارند که این مهدی آن مهدی غایب شیعه نیست، زیرا در حدیث پیامبر ﷺ آمده است که اسم او اسم من و اسم پدر او اسم پدر من است. اسم پدر پیامبر ﷺ عبدالله بود، در حالی که اسم پدر مهدی غایب شیعه، حسن عسکری است (همو: ۱۹۱-۱۹۲).  
به گفته ابوالحسن ندوی: «عقیده شیعه در مورد امام غائب (امام دوازدهم) در اوج و فراز خیال بافی و مبالغه آمیزی قرار دارد، عقیده تولد و غایب شدن و زندگی و راهنمایی امام دوازدهم در عقل و قیاس نمی‌گنجد و قانون تکوینی و تشریحی الهی آن را نمی‌پذیرد» (حسینی ندوی، بی‌تا: ۶۴-۶۵).

برخی مدعی‌اند، مراد از مهدی، یکی از خلفای راشدین و امامان راستین است (ابن کثیر، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ۱۵؛ تویجری، ۱۴۰۶ق: ۳-۴؛ امینی، ۱۳۷۱ش: ۲۰۴)، یا گفته‌اند، پیامبر ﷺ به عمویش عباس بشارت داد که مهدی از نسل او ظهور خواهد کرد (کشمیری، ۱۴۱۲ق: ۲۱۶).  
این روایت را انور شاه کشمیری نقل می‌کند، ولی آن را جعلی و نامعتبر می‌داند.

برخی اساساً منکر اصل ظهور منجی شده، و گفته‌اند اندیشه مهدی، علل سیاسی، اجتماعی و دینی دارد و جملگی از عقاید شیعه سرچشمه می‌گیرد. آنها احادیث مربوط به ظهور مهدی و نزول عیسی مسیح ﷺ و آمدن دجال را اشاره به پیروزی حق بر باطل دانسته‌اند (عبدالله بن محمود، بی‌تا: ۳۷؛ به نقل از: خسروشاهی و العباد، ۱۳۷۲ش: ۶۹؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۱۰۲). از عبدالاعلی مودودی نقل شده است که:

نمی‌توان گفت در اسلام یک مقام دینی به نام مهدویت وجود دارد که واجب است همه مسلمانان به آن اعتقاد داشته باشند. (خسروشاهی، ۱۳۷۲ش: ۱۰۰).

ولی تمام این ادعاها خلاف اجماع مسلمانان است. و با وجود احادیث متواتر که علمای اهل سنت و دیوبندیه، نیز بر قطعی و متواتر بودن آنها اعتراف دارند، جایی برای طرح امثال سخنان فوق باقی نمی‌ماند. ضمن آن که، درباره مهدویت، مصداق مهدی، عمر طولانی آن حضرت و مباحث مرتبط دیگر، مباحث فراوانی صورت گرفته، و در منابع روایی و کلامی شیعه و



غیر شیعه، ادله متقن گوناگونی برای اثبات حسینی بودن، امکان حیات دنیوی آن حضرت و مباحث دیگر ذکر شده است؛ بنابراین، با مراجعه به آنها مجالی برای انکار باقی نمی ماند.<sup>۱</sup> امثال ندوی نیز کاملاً از این مباحث آگاه اند، ولی متأسفانه بدون آن که به دلائل عقلی و نقلی فراوان در این زمینه پاسخ قانع کننده ای بدهند، صرفاً با بی اساس خواندن آن دلائل، درصدد طرح فرضیه های ذهنی خود برمی آیند، بدون آن که دلیلی برای اثبات مدعای خود ذکر کنند. درحالی که از نویسنده دانشمندی همچون ندوی انتظار می رفت در این خصوص از سخنان عامیانه بپرهیزد و محققانه سخن بگوید، در این صورت متوجه می شد که در مباحث، روایت ها و ادله ای که در متون شیعی و اهل سنت در مورد حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است، جایی برای تردید باقی نمی ماند، زیرا کمتر عقیده ای این قدر مستند و متقن اثبات شده است. بنابراین، نمی توان تنها با استناد به حدیثی به این مضمون که: «نام پدر مهدی همانم پدر پیامبر صلی الله علیه و آله است»، آن حضرت را برپایه آن چه در سخنان پیشین مطرح شد، حسنی دانست، زیرا، این حدیث، حتی بر فرض صحیح بودن هم، به هیچ وجه با روایات و ادله متقن و فراوان دیگر قابل مقایسه و تطبیق پذیر نیست.

#### مهدی علیه السلام و مسیح علیه السلام

با توجه به روایات مهدویت، نزول حضرت عیسی مسیح علیه السلام از آسمان در آن زمان قطعی و مسلم است. مسیحیان نیز براساس پیشگویی های کتاب مقدس معتقدند روزی مسیح از آسمان برای نجات بشر فرود می آید و حکومت الهی را در زمین برپا می کند. اما به اعتقاد مسلمانان، منجی اصلی، مهدی موعود، از نسل پیامبر آخرالزمان است و عیسی مسیح یار و یاور و پیرو آن امام موعود خواهد بود. این عقیده نزد شیعیان مسلم است. بیشتر اهل سنت، از جمله بسیاری از علمای دیوبندیه نیز معتقدند، ظهور مهدی علیه السلام برای اقامه قسط و عدل و از بین بردن ظلم و ستمگری که در آخر زمان به صورت گسترده دامن گیر جوامع دنیا می شود، حتمی است و حضرت عیسی نیز از آسمان فرود می آید، دجال یا جوج و ماجوج و دیگر کفار را به قتل می رساند و در نماز به «مهدی» اقتدا می کند (کشمیری، ۱۴۱۲ق: ۷۴-۷۵، ۱۵۰-۱۵۱،

۱. (در زمینه مباحث مربوط به مهدویت مراجعه شود به: طبرسی، بی تا (الف): ج ۴؛ إربلی، ۱۳۸۱ش: ج ۳؛ مرعشی شوشتری، ۱۴۰۹ق: ج ۲۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق؛ حر عاملی، بی تا؛ کلینی، ۱۳۷۴ق؛ مجلسی، بی تا؛ مکدموت، ۱۳۸۲ش؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ق: ج ۱۲).

۱۶۴؛ ندوی، ۱۹۹۷م: ۹۳-۹۴؛ صفدر، ۱۴۱۷ق: ۱-۹۵؛ مبارکفوری، بی‌تا: ج ۶، ۱۲). به اعتقاد آنان، ظهور مهدی موعود از نسل پیامبر ﷺ آن‌هم از ذریه فاطمه زهرا علیها السلام، و همین‌طور نزول عیسی مسیح علیه السلام از آسمان در آن زمان حتمی و قطعی است و هیچ‌یک از علمای بزرگ نزول مسیح علیه السلام را دلیلی بر نفی اعتقاد به ظهور مهدی از نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ندانسته، و دیدگاه شاذ و نادری که بیان شد، هیچ‌یک از علماء تأیید نکرده‌اند (فتحی، بی‌تا: ۷۶-۷۷؛ جالندهری، بی‌تا: ج ۱، ۶۷-۷۲). منتهی عده‌ای با تردید در صحت روایات دال بر ظهور مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مدعی‌اند ظهور عیسی مسیح علیه السلام در اسلام ثابت شده است و پدید آمدن نشانه‌های آخرالزمان نیز مربوط به وقایع پیش از قیامت است و ربطی به ظهور شخصی به نام مهدی ندارد (صدیقی کاندهلوی، بی‌تا: ۱-۲۸). از نظر این عده، مهدی آخرالزمان همان عیسی مسیح علیه السلام است که دجال را از بین می‌برد و خود بر دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم زندگی می‌کند، در آخر وفات می‌یابد و در زمین دفن می‌شود (عثمانی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۲۰۴). مستند این‌گونه سخنان امثال حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم زیر است:

قسم به کسی که جانم در دست اوست، به زودی پسر مریم، به عنوان حاکم عدالت پیشه، در میان شما فرود می‌آید، صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد، جزیه را بر می‌دارد، مال را سرازیر می‌کند تا آن‌که هیچ نیازمندی باقی نمی‌ماند (مبارکفوری سلفی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ۱۳۴).

به گفته صفی‌الدین مبارکفوری سلفی: وقتی عیسی علیه السلام نازل می‌شود حاکمی از حاکمان امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌گردد. آن زمان یهود و نصاری به جنگ با وی بر می‌خیزند، ایشان تمامی آنها را کشته، صلیب را می‌شکند، خوک‌ها را از بین می‌برد و جزیه را بر می‌دارد. شکستن صلیب بین بردن خوک‌ها برای آن است که نشان دهد حلال دانستن گوشت خوک و علامت صلیب ربطی به عیسی علیه السلام ندارد؛ و برداشتن جزیه به این معنا است که جزیه تا قبل از نزول عیسی علیه السلام مفید است نه پس از آن. از طرفی حکم جزیه موقتی بوده است و تا قیام قیامت ثابت نیست (همو: ۱۳۵).

از نظر برخی دیوبندیان، بنابر شواهد و دلایلی، مهدی و عیسی به عنوان دو شخصیت مجزا در آخرالزمان ظهور می‌کنند (فتحی، بی‌تا: ۷۶-۷۷). حسین احمد مدنی به نقل از امام سفارینی، نوشته است:

هرچند سخنان زیادی مطرح شده است در این‌که مهدی کسی غیر از مسیح نیست، ولی

نظریه درست که اهل حق نیز همان را پذیرفته‌اند، این است که مهدی غیر از مسیح است و او پیش از مسیح ظهور می‌کند. روایات در این رابطه فراوان و در حد تواتر معنوی بوده و بین علمای اهل سنت شایع است و حتی این مسئله جزء عقاید آنها به شمار می‌آید (مدنی، بی تا: ۴).

به گفته انورشاه کشمیری:

وقتی عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید، عرب در آن روز تعدادشان اندک است و بیشترشان در بیت المقدس جمع بوده و امام شان مرد صالحی است. او در حالی که تصمیم بر اقامه نماز صبح دارد، آن هنگام عیسی بن مریم علیها السلام بر آنها فرود می‌آید، آن امام آهسته و قهقرايي محل امام جماعت را باز می‌کند تا عیسی امامت را به عهده گرفته و همه به او اقتدا کنند، آن گاه عیسی با دست به وسط دو کتف آن امام زده و می‌گوید: جلو بایست و نماز بخوان که این مقام برای تو برپا شده است، آن وقت امام نماز جماعت را برگزار می‌کند (کشمیری، ۱۴۱۲ق: ۱۵۰-۱۵۱ و ۱۶۴).

منظور از امام در این حدیث مهدی موعود است. در موارد دیگر همان کتاب احادیث گوناگونی مشابه حدیث فوق از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. از جمله: «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ»؛ آن کسی که عیسی پشت سر او نماز می‌خواند از ما اهل بیت است. «مِنَّا يَعْنِي: معشر اهل بیت النبوه» (همو: ۲۱۴). هم چنین نقل شده است: «يُنزِلُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرَهُمُ الْمَهْدِي: تَعَالِ صَلِّ بِنَا،...»؛ و برپایه نقل دیگر: «... يَنْزِلُ عَلَي الْمَهْدِي فَيَقَالُ: تَقَدَّمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَصَلِّ بِنَا،...» (همو: ۲۷۳-۲۷۴؛ مدنی، بی تا: ۵۳-۵۶). ابن سیرین گفته است:

المهدى من هذه الأمة وهو الذى يؤم عيسى ابن مريم عليها السلام (همو: ۲۹۵).

یا طبق حدیث نبوی:

لن تهلك أمّة أنا في أولها، وعيسى ابن مريم في آخرها، والمهدى في وسطها؛ امتی که من در اول آن و عیسی بن مریم در آخر آن و مهدی در وسط آن باشد، هرگز هلاک نخواهند شد.

کشمیری این حدیث را حسن دانسته و عبدالفتاح أبوغده در تعلیقه آن نوشته است:

مراد از وسط ما قبل آخر است، زیرا نزول عیسی علیه السلام برای قتل دجال در زمان مهدی صورت می‌پذیرد، چنان که طبق نقل اخبار، سیدنا عیسی پشت سر مهدی نماز می‌خواند (همو: ۱۸۱-۱۸۲ و ۲۴۹).

همین طور عبدالفتاح در تعلیقه این کتاب، حدیثی دیگری را نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تصریح به

مهدی موعود آورده است به این بیان که:

من کذب بالدجال فقد كفر، و من کذب بالمهدی فقد كفر (همو: ۲۴۳).

سپس افزوده است:

چند نوع مهدی ظهور می‌کند، مهدی اول پس از چهل سال زندگی با مرگ طبیعی از دنیا می‌رود، سپس شخصی از قبیله قحطان با پیروی از سیره مهدی خروج می‌کند و پس از بیست سال با اسلحه کشته می‌شود، آن‌گاه مهدی از نسل پیامبر ﷺ خروج می‌کند و او آخرین امیر از امت محمد ﷺ است. سپس در زمان او دجال خروج می‌کند و در همان زمان عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید (همو: ۲۹۵).

کشمیری نوشته است:

از احادیث به دست می‌آید که بیشتر جنگ‌ها میان مسلمانان با نصاری واقع می‌شود، آن‌گاه عیسی ﷺ برای اصلاح نصاری به زمین فرود می‌آید و پیامبری است که به شریعت محمد بن عبدالله ﷺ عمل نموده و چهل سال در دنیا زندگی می‌کند. مهدی ﷺ برای اصلاح مسلمانان مبعوث می‌شود، اما پس از نزول عیسی ﷺ وی از دنیا می‌رود (کشمیری، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ۴۲۱).

کلمه «یبعث المهدی» در گفتار کشمیری ممکن است بیان‌گر این باشد که مهدی زنده است ولی پس از اذن خداوند، برای اصلاح امت فرستاده می‌شود.

وی در کتاب *التصريح بما تواتر فی نزول المسيح*، ضمن بحث از نزول عیسی مسیح ﷺ و ظهور مهدی منتظر، بسیاری دیگر از حوادث و وقایع آخرالزمان مرتبط با عصر ظهور مهدی را نیز بیان کرده است. هم‌چنانکه عبدالفتاح أبوغده در تعلیقه آن، متواتر بودن احادیث در باره مهدی منتظر، نزول عیسی ﷺ و قضیه دجال را از طرق گوناگون نقل می‌کند (همو: ۶۴-۶۸). ایشان نزول حضرت عیسی ﷺ را متواتر و منکر آن را کافر می‌داند (همو: ۱۱)، و معتقد است قتل دجال و هم‌چنین کفار به دست عیسی مسیح ﷺ انجام می‌گیرد و او همه را از بین می‌برد به جز مسلمانان (همو: ۷۱-۷۲). این اظهارنظرها و نسبت دادن عملکردهای مشابه به مسیح ﷺ و مهدی ﷺ، باعث شده است که برخی تصور کنند مهدی ﷺ و عیسی ﷺ شخصیت واحدی هستند و در حقیقت مهدی همان عیسی ﷺ است، و مراد از منجی، عیسی مسیح ﷺ است نه مهدی از نسل پیامبر ﷺ زیرا عیسی در نظر پیامبر اسلام ﷺ بزرگ‌ترین هدایت‌شده (مهدی) است (عثمانی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۲۰۴؛ قاسمی، ۱۴۲۷ق: ۲۶۴-۲۷۱).

ولی با توجه به سخنان پیشین و ادله و شواهد دیگر روشن است که مهدی و عیسی، دو

شخصیت مستقل اند که هم‌زمان در آخرالزمان ظهور می‌کنند و عیسی علیه السلام پیرو امام مهدی علیه السلام است و در سایه حکومت اسلامی آن حضرت فرمان می‌راند.

### حوادث عصر ظهور از نگاه علمای دیوبند

دیوبندیان مسائلی را به عنوان حوادث عصر ظهور، نشانه‌های مهدی موعود بیان کرده‌اند که بیشتر موارد آن با متون روایی و کلامی و دیدگاه سایر مسلمانان همسان است؛ از جمله: وقتی امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، ردای پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه دارد، منادی ندا می‌دهد که این شخص، مهدی است و از وی پیروی کنید؛ آن زمان برکت‌های زمین ظاهر می‌شود؛ آن حضرت خزانه‌های ذخیره شده در خانه خدا را خارج، و میان فقرا تقسیم می‌کند؛ تابوت سکینه را از غاری در بیت المقدس خارج می‌سازد که به برکت آن برخی یهودیان، اسلام می‌آورند؛ کشتار و غارت پیش از ظهور به اوج خود می‌رسد؛ فقر و ناداری میان مردم شایع می‌شود؛ نفس ذکیه کشته می‌شود؛ و تغییراتی در آسمان به وجود می‌آید (فتحی، بی‌تا: ۷۲-۷۴).

برخی دیگر ظهور حضرت مهدی علیه السلام و مسائل دیگر آن زمان را با عنوان نشانه‌های آخرالزمان و نزدیک بودن قیامت بیان کرده‌اند و مواردی چون ظهور امام مهدی علیه السلام، نزول عیسی علیه السلام، خروج دجال، خروج یاجوج و ماجوج، خرابی خانه خدا، پیدا شدن دود، طلوع خورشید از مغرب، خارج شدن جنبه‌ای از زمین را از نشانه‌های نزدیکی قیامت دانسته‌اند (الله یارخان، بی‌تا: ۱۸). طبق بیان حسین احمد مدنی، پس از آن نشانه‌ها، آتشی در یمن برافروخته می‌شود که مردم را به سوی محشرشان سوق می‌دهد (مدنی، بی‌تا: ۲).

### وضعیت جامعه بشری در عصر ظهور از منظر دیوبندیان

دیوبندیان برای تبیین وضعیت جامعه بشری در آستانه ظهور امام مهدی علیه السلام از وقایع زیادی نام برده و آنها را از نشانه‌های ظهور منجی موعود دانسته‌اند که مواردی از آنها، متأثر از تحولات کنونی جهان اسلام است و مشخصاً ریشه روایی ندارند. از جمله: نزول فتنه بر امت محمدی صلی الله علیه و آله، نزول فتنه‌ها همانند باران در درون خانه‌ها، از دست رفتن ایمان از صبح تا شب، فتنه تفرقه انداختن میان مسلمانان، فتنه‌ی عبادت، گمراهی رهبری، زیادی نیروی پلیس، نابودی عرب‌ها، زیادی زن‌ها بر مردها، فراگیری جنگ و کشتار، آبادی و تعمیر مکه مکرمه، زیادی جاهل عابد و فاسق قاری، تعمیر مساجد برای رقابت و فخرفروشی، گسترش ریاکاری در رفتار، بزرگداشت سرمایه‌داری، فاحشگی زنان، حکمرانی بچه‌ها، حضور زن‌ها در کار

و بازار، گسترش همجنس پرستی، تقسیم نادرست میراث، گسترش عیاشی، جنگ و صلح با مسیحیان، ادا نکردن دین‌ها، گسترش رشوه (عثمانی، ۲۰۰۴م: ۲۰-۱۴۲)، فتنه‌های جهانی در آخرالزمان، فتنه زنان سرکش و جوانان فاسق، ممنوعیت آثار قدیم، سلطه کفار، مشارکت مسلمانان در قتل و کشتار، فتنه قوم‌گرایی و ملی‌گرایی، فتنه سحر و جادو، ظهور جادوگران یهودی، قتل و کشتار مسلمانان در عراق و افغانستان به دست غربی‌ها، جنایت‌های وحشتناک در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو و بگرام، نسل‌کشی اقوام غیریهودی، مقابله حزب شیطان و حزب رحمان، اهمیت روشن نبودن حق و باطل، وضعیت ناگوار افغانستان و عراق و یمن هنگام خروج حضرت مهدی، نابودی بغداد، وضعیت آشفته پاکستان و مسلمانان هندوستان (عاصم عمر، بی‌تا: ۱۸-۹۲ و ۱۶۰-۲۱۸)، ظهور بدعت‌ها، پراکندگی امت اسلامی، پیدایش خباثت‌ها میان عامه‌ی مردم، ندهای شیطانی و رحمانی هنگام ظهور و ندهای یکسان یهود و ابلیس، فتنه و فساد یهود و عواقب نابودکننده‌ی آن، ناکارآمدی سلاح‌های ظاهری، تلاش برای نجات از فتنه‌های دجال، ورود فتنه‌ها در درون خانه‌ها، نبود رهبری، حاکمیت افراد پست، کنار گذاشته شدن علما، فتنه‌های حاکمان گمراه، مظلومیت اسلام و تعطیلی احکام اسلامی، فتنه نظام آموزشی دجالی، فتنه‌های علم، توجه مسلمانان به علوم روز، از بین رفتن نظام اسلامی، گرفتاری‌ها و آزمایش‌های عموم مسلمانان، خروج گروهی از دین، فتنه خواهش‌های نفسانی دانشمندان، آزادی شهوات و از بین رفتن حیا، عیاشی زن‌های مسلمان، انجام کارهای نادرست در مساجد، جنگ و مبارزه دو گروه کفر و نفاق با ایمان، جهاد در راه حق و مبارزه دجال با آنها، همراهی با یهود و ابلیس (عبدالله اسلام، ۲۰۱۱: ۴-۶۴)، خروج دجال، ظهور تاتارها (مغولان)، آشفته‌گی اوضاع در کشورهای عربی و فلسطین و جنگ‌های گوناگون با دخالت آمریکا و کشورهای دیگر، راه‌اندازی جنگ مقدس یهودی براساس عقیده به «آرماگدون»، ادامه این جنگ‌ها تا ظهور دجال، فتنه‌های مغرب در آخرالزمان، اوضاع مکه و ساخته شدن برج‌ها و آسمان خراش‌ها در آخرالزمان در مکه، ارتباط نزدیک دجال با یهود و از نسل یهودی بودن او، تسلط یهودی‌ها بر نظام اقتصادی و آموزشی جهان، مقروض بودن آمریکا به یهودی‌ها، همراهی هفتاد هزار یهودی اصفهانی با دجال، رابطه حضرت عیسی علیه السلام با دجال، وجود دجال در منطقه مثلث برمودا و یا مکان‌های دیگر، دشمنی اسرائیل با ایران و پاکستان، تشدید اختلاف‌ها در پاکستان، تسلط دوباره یهود بر مناطق خیبر و دیگر مناطق مدینه که پیش از اسلام یهودیان در آن ساکن بودند (حماد یوسف،

بی تا: ۳-۲۰).

چنانکه مشاهده می شود بیشتر وقایع فوق تحت تأثیر مسائل جهانی معاصر و احیاناً گذشته مطرح شده است و در حقیقت اوضاع آشفته جهان اسلام را بازگو می کند. همان طوری که برخی نویسندگان عرب نیز حوادثی همانند سقوط صدام به دست آمریکا و یا ظهور طالبان (فتحی، بی تا: ۱۱)، و مرگ ملک فهد پادشاه عربستان سعودی را، از نشانه های ظهور مهدی دانسته اند و پیشگویی کرده اند که پس از مرگ ملک فهد جنگ های داخلی در عربستان و جاهای دیگر آغاز، و زمینه برای ظهور آماده می گردد. هم چنین پیشگویی شده است که جنگی از سوی روس و چین و هند صورت می گیرد که سرآغاز ظهوری مهدی است (همو: ۱۴ و ۳۳-۳۴).

نثار احمد خان فتحی در نقد پیش گویی های فوق و امثال آن، تأکید دارد که در نقل این گونه پیش گویی ها باید احتیاط کرد، زیرا با گذشت چند سال از این وقایع هیچ کدام از آن تصورها تحقق نیافت (همو: ۱۳). از نگاه وی، بهترین راهنما در این باره رهنمودهای پیامبر اسلام ﷺ است که نشانه های آخرالزمان و خصوصیات دجال و سفیانی و غیره را به خوبی بیان کرده است، ولی در تطبیق این عناوین بر شرایط پیچیده کنونی، باید دقت بیشتر انجام داد (رک همان، ۱۴-۲۵). هم چنین وی درباره تطبیق دجال آخرالزمان بر آمریکا، معتقد است، بدون شک ویژگی های دجال در آمریکا موجود است، اما او مصداق دجال واقعی نیست (همو: ۲۵-۳۱).

درست نیز همین است که هرچند ممکن است برخی مسائل فوق با متون روایی منطبق باشد، ولی مبنای دینی بیشتر آنها به عنوان نشانه های آخرالزمان دقیقاً مشخص نیست و نیاز به تأمل و دقت فراوان دارد.

### نتیجه گیری

اندیشه ظهور منجی به نام مهدی از نسل پیامبر اسلام ﷺ مشهورترین دیدگاه میان تمامی مسلمانان، از جمله، اهل سنت و دیوبندیان است. بیشتر اهل سنت می پذیرند که به طور قطع مهدی از نسل پیامبر اسلام ﷺ در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و حضرت عیسی علیه السلام به زمین فرودآمده و مهدی موعود را در مبارزه با ظلم و ستم و برپایی قسط و عدل در جهان یاری می رساند. اختلاف نظر آنان در حسنی یا حسینی بودن مهدی موعود و هم چنین در تولد و عدم تولد ایشان، بیشتر ناظر به تعیین مصداق آن است نه اصل منجی و تنها شمار اندکی ظهور

منجی را انکار کرده‌اند و یا ظهور مهدی را تنها به نزول عیسی مسیح علیه السلام تفسیر کرده‌اند. ولی این اختلاف نظرها، با بررسی دقیق‌تر روایات فراوان مربوط به مهدویت رفع می‌گردد. چنان‌که بسیاری از دیوبندیان نیز آن اخبار را از نظر سند، متواتر و از نظر دلالت بر ظهور مهدی، قطعی می‌دانند.

اما این که آیا این حکومت بر تمام جهان است و یا بر بخشی از آن، تکلیف ادیان دیگر چه خواهد شد، با توجه به همکاری حضرت عیسی و شاید تمامی عدالت‌خواهان عصر ظهور با قیام منجی، جهانی و فراگیر بودن حکومت مهدوی نیز دور از ذهن نیست. البته این سخن بدان معنا نیست که ادیان دیگر ملزم به پذیرش اسلام گردند، بلکه ظاهراً قوانین حکومت مهدوی شکل کاملتر حکومت نبوی است که در آن غیر معاندان از ادیان دیگر تنها به پرداخت جزیه و خراج محکوم خواهند شد.

پیوند زدن بسیاری از وقایع ناگوار سیاسی اجتماعی به نشانه‌های عصر ظهور می‌تواند با دو انگیزه متفاوت صورت گیرد، یکی آن که، تمامی این وقایع را به فال نیک گرفته و به جای تلاش در نجات از این وضعیت، به قضا و قدر الهی تن داده و در انتظار فرج بمانیم. ولی واقع‌بینانه‌تر آن است که اعتقاد به ظهور منجی، باید باعث قوت قلب و ایجاد انگیزه بیشتر ما در انجام فعالیت‌های اجتماعی و اصلاحی باشد، نه آن که از کارهای اجتماعی دست برداشته و حل تمام مشکلات را به منجی موعود بسپاریم.



## منابع

- ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، سال ۱۳۷۸-۱۳۸۳ ش.
- ابن حنبل، احمد، مسند، تحقیق و گردآوری شعيب أرتاووط و عادل مرشد، بيروت، الرسالة، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من فوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، الثانيه، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.
- ابن طاووس، سید رضی الدین، فتنهها و آشوب های آخر الزمان، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران، انتشارات اسلامیة، اول، بی تا.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء حافظ بن کثیر، النهایه فی الفتن و الملاحم، قاهره، دارالصابونی، بی تا.
- إربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ ق.
- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، دوزادهم، قم، بی تا، ۱۳۷۱ ش.
- امینی، خلیل، «الجامعه الإسلامیه دارالعلوم / دیوبند نشرت و لاتزال العدل والأمن والسلام»، الداعی، سال ۳۰، ش ۶-۷، جمادی الثاني و رجب ۱۴۲۷.
- امینی، خلیل، «نظرة خاطفة على الجامعة الإسلامية دارالعلوم، دیوبند»، الداعی، سال ۳۵، ش ۴-۵، ربیع الثاني و جمادی الأول ۱۴۳۲.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، اول، بیروت: عزالدین، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، دوم، ۱۳۸۶ ش.
- تویجری، حمود، الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر، دوم، عربستان سعودی، بی تا، ۱۴۰۶ ق.
- جالندهری، خیرمحمد و دیگران، خیرالفتاوی، پاکستان، ملتان، مکتبه امدادیه، بی تا.
- جمعی از نویسندگان، الموسوعة المیسرة فی الأديان و المذاهب المعاصرة، چاپ سوم، ریاض، دارالدوه، ۱۴۱۸ ق.
- جمعی از نویسندگان، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره هند، زیر نظر حسن انوشه، چاپ اول،

- تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۰ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة*، ترجمه احمد جنتی، تهران، نوید، بی تا.
- حسنی ندوی، ابوالحسن علی، *دو تصویر متضاد*، بی جا، بی نا، بی تا.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین، *امام شناسی*، مشهد، علامه طباطبائی، سوم، ۱۴۲۶ ق.
- حماد یوسف، *دجال کی تعاقب مینا*، بی جا، بی نا، بی تا.
- خسروشاهی، هادی و عبدالمحسن العباد، *مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت*، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.
- رفیعی، محمد طاهر، *دیوبندیہ و اندیشہ های کلامی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، زمستان ۱۳۹۶.
- سجستانی، ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- سهارنپوری، خلیل احمد، *بذل المجہود فی حلّ اُبی داود*، تعلیق محمد زکریا کاندھلوی، بیروت، دارالکتب العلمیہ، [بی تا].
- صدیقی کاندھلوی، حبیب الرحمن، *عقیدہ ظہور مهدی*، پاکستان، کراچی، الرحمن، بی تا.
- صفدر، محمد سرافراز خان، *توضیح المرام فی نزول المسیح علیہ السلام*، هند، گوجرانوالہ، مکتبہ صفدریہ، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م.
- صنعانی، عبدالرزاق، *المصتف*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۸۰ ش.
- طالب الرحمن، ابواسامہ، *الدیوبندیہ، تعریفها وعقائدها*، چاپ اول، پاکستان، دارالکتب والسنة، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
- طبرسی، أحمد بن علی بن اُبی طالب، *إعلام الوری بأعلام الہدی*، بی جا، بی نا، بی تا (ب).
- \_\_\_\_\_، *الاحتجاج*، ترجمه مازندرانی، تهران، نشر مرتضوی، اول، بی تا (الف).
- عاصم عمر، *امام مهدی کی دوست و دشمن*، پاکستان، کراچی، الہجرہ پبلیکیشن، بی تا.
- عبدالباقی، مصباح اللہ، *المدارس الدینیة الباکستانیة من الجامعة الحقانیة إلى المسجد الأحمر*، چاپ اول، قاہرہ، مکتبہ مدبولی، [بی تا].
- عبدالرب میرزا، محمود حافظ، «ضوء علی قصة تأسيس جامعة دارالعلوم / دیوبند»، *الداعی*، سال سی ام، ش ۵، جمادی الأول ۱۴۲۷ ق.

- عبدالله اسلام، دورفتن، اول، پاکستان، کراچی، محمد جاوید اقبال، اکتبر ۲۰۱۱.
- عثمانی، شبیر احمد، فتح الملہم بشرح صحیح المسلم، اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۶م.
- عثمانی، محمد تقی، أساس مذهب علماء دیوبند: www.Darululoom\_deoband.com
- عثمانی، محمد عمران اشرف، فتنون کا عروج اور قیامت کی آثار، پاکستان، کراچی، دارالاشاعت، ۲۰۰۴م.
- عسقلانی، شہاب الدین ابوالفضل احمد بن حجر، تہذیب التہذیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق / ۱۳۷۲ش.
- فتحی، نثار احمد خان، ظہور مہدی اور ہماری اندازی، پاکستان، کراچی، مکتبہ الشیخ، بی تا.
- قاسمی، انوار الحسن، کمالات عثمانی المعروف بہ تجلیات عثمانی، پاکستان، ملتان، ادارہ تالیفات اشرفیہ، جمادی الثانی ۱۴۲۷.
- قاسمی، شوکت علی، «الجامعۃ تعقد حفلة للترحيب بالضيف الکریم»، الداعی، سال ۳۴، ش ۸، شعبان ۱۴۳۱ق.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، بی جا، بی نا، بی تا.
- کشمیری، محمد انور شاہ، التصریح بما تواتر فی نزول المسیح، تحقیق و تعلیق عبدالفتاح أبوغدہ، پنجم، سوریه، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیہ، ۱۴۱۲ق - ۱۹۹۲م.
- کشمیری، محمد انور شاہ، العرف الشذی شرح سنن الترمذی، اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بہ کوشش محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانہ مرعشی، اول، ۱۳۷۴ش.
- گنگوہی، مفتی محمود حسن، فتاوی محمودیہ، با تعلیقہ: مولانا سلیم اللہ خان، پاکستان، کراچی، دارالافتاء جامعہ فاروقیہ، بی تا.
- اللہ یار خان، حضرت حسین رضی اللہ عنہ کی قاتل خود شیعہ ہی، بخشی از کتاب «تحذیر المسلمین عن کید الکاذبین»، بی جا، نشر تحریک نفاذ فقہ جعفری، بی تا.
- مبارکفوری سلفی، صفی الدین، مئة المنعم فی شرح صحیح مسلم، اول، ریاض، دارالسلام، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.
- مبارکفوری، محمد بن عبدالرحمن، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث

- العربی مؤسسہ التاريخ الغربی، بی تا.
- مجلسی، محمد تقی، مہدی موعود، ترجمہ علی دوانی، قم، کتابفروشی محمدی، بی تا.
- محمد اسحاق، اشرف السوانح، پاکستان، ملتان ادارہ تألیفات اشرفیہ، محرم ۱۴۰۶ / اکتبر ۱۹۸۵ م.
- مدنی، حسین احمد، الخلیفۃ المہدی فی الأحادیث الصحیحۃ، با مقدمہ، تعلیقہ و حواشی مولانا حبیب الرحمن قاسمی استاد دارالعلوم دیوبند، پاکستان، ملتان، عالمی مجلس تحفظ ختم نبوہ، بی تا.
- مرعشی شوشتری، نوراللہ، احقاق الحق وازہاق الباطل، مقدمہ و تعلیقہ: مرعشی نجفی، قم، مکتبۃ آیۃ اللہ المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۹ ق.
- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، مکہ مکرمہ، دارالفکر، ۱۹۹۱ م / ۱۳۷۰ ش.
- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد، قم، المؤتمر العالمی لألفیہ الشیخ المفید، اول، ۱۴۱۳ ق / ۱۳۷۲ ش.
- مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قاہرہ، عالم الفکر، ۱۳۹۹ ق.
- مکدموت، مارتین، اندیشہ های کلامی شیخ مفید، ترجمہ احمد آرام، تہران، انتشارات دانشگاه تہران، ۱۳۷۲ ش.
- میرتھی مہاجر مدنی، بدرعالم، ترجمان السنۃ، پاکستان، لاہور، ادارہ اسلامیات، بی تا.
- ندوی، رحمت اللہ، اشرف علی التہانوی حکیم الأمم و شیخ مشائخ العصر، چاپ اول، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م.
- ندوی، سلیمان، اهل السنۃ والجماعۃ، پاکستان، کراچی، مجلس نشریات اسلام، ۱۹۹۷ م.
- نمر، عبدالمنعم، تاریخ الإسلام فی الہند، چاپ اول، بیروت، المؤسسة الجامعیہ للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.
- نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، بی جا، بی نا، بی تا.
- یافعی، عبداللہ بن اسعد، مرآة الجنان وعبرة یقظان فی معرفۃ ما یعتبر من حوادث الزمان، بیروت، مؤسسہ الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.